دکتر مسعود شکرانی

تاریخچه پزشکی و داروسازی در جهان باستان

به گفتهٔ ابومعشر بلخی، اول کسی که در علم طب نظر کرد و در مورد آن سخن گفت، ادریس نبی (ع) بوده داست. منتهی بر اساس اجماع نظریهٔ اطبا قدیم، اول کسی که حرفهٔ طبابت را استنباط و استخراج نموده و آنرا پیشهٔ خود ساخت، اسقلبیوس (اسقلبیازس) است که یونانی بوده ولی در شام می‌زیسته است که برخی گویند این علم از طریق وحی به وی رسیده و بعضی گویند از طریق تجربه این علم را استخراج نموده بوده است ولی در هر صورت قبل از طوفان نوح می‌زیسته و محضر ادریس نبی (ع) را درک نموده و از او اخذ حکمت نموده بود بطوریکه خود او نیز انسانی الهی بوده و آنقدر احترام داشته است که بقول جالینوس حتی بعضی مردم بنام او قسم یاد می‌کرده‌اند، و روش او بدین ترتیب بود که اشرار و بدنفسان را بدین علم تعلیم نمی‌نمود و نظر بر این داشت که متعلّمین طبابت باید از نظر طهارت و عفاف و پرهیزکاری مثل خود او باشند. به گفته بقراط بر عصای اسقلبیوس، صورت ماری پیچیده تصویر شده بود و به گفته جالینوس از آنجائیکه مار دراز عمرترین حیوانات است، این مار پیچیده اشاره است به این نکته که تحصیل علم، صاحب خود را زندهٔ جاوید می‌دارد و نیز اینکه مار حیوانی است حادّالنّظر و بسیار بیدار و لذا صاحب علم طب باید خود را مشغول خواب نساخته و همواره در حرفه خویش کمال بیداری و هشیاری را بکار برد.

از زمان اسقلبیوس تا زمان جالینوس بیش از ۵ هزار سال فاصله بوده داست و در این زمان ۸ طبیب سرآمد بدین ترتیب پا به عرصه حیات گذاشتند: ۱- اسقلبیوس اول ۲- غورس ۳- مینس ۴- برمانیذس ۵- افلاطون ۶- اسقلبیوس ثانی ۷- بقراط ۸- جالینوس

بقراط در ابتدای تصنیفات خویش، پزشکان و دانشجویان پزشکی را به اخلاق پسندیده و شفقت به همنوعان و تزکیه اخلاق از کبر و عُجب و حسد سفارش نموده است.

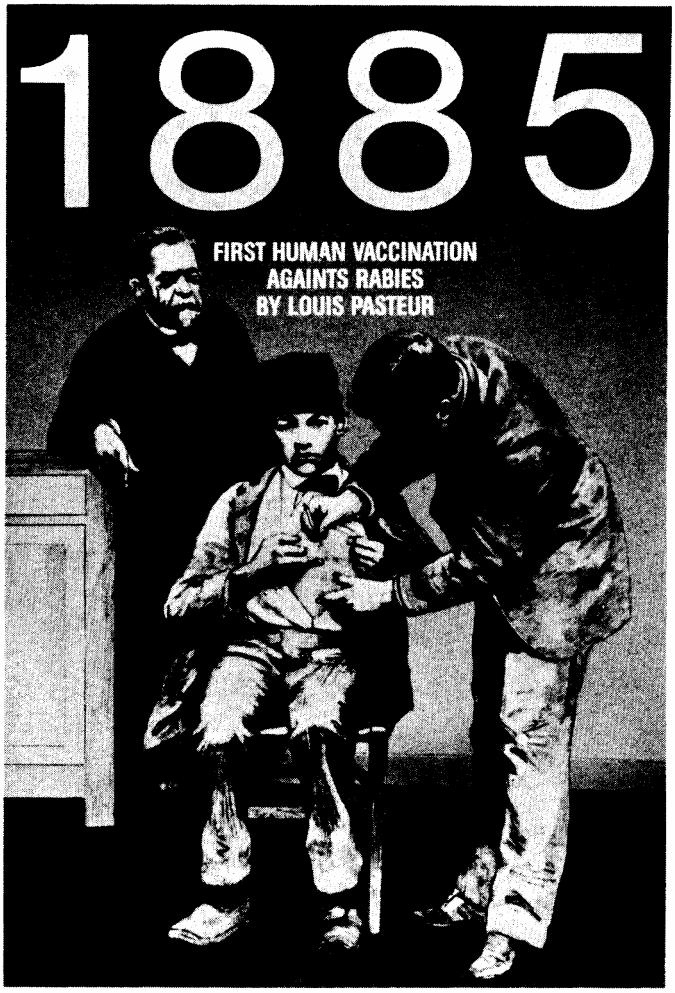

●

جالینوس با عسل و سرکه و زنجبیل و فلفل سفید معجونی می‌ساخته‌است‌که‌برای‌بیماران معدی تجویز می‌کرده است

●

بقراط: (متوفی حدود سال ۳۶۵ قبل از میلاد) امام الاطباء بوده و حدود صدسال قبل از اسکندر مقدونی در صور و دمشق می‌زیسته است و خود در شهرها می‌گشته و به عیادت بیماران می‌رفته است تا بیماران رنج حرکت را به خود راه ندهند. بقراط مشهورترین اطباء باستان است و ۶۶۵ سال قبل از جالینوس می‌زیسته است. بقراط در ابتدای تصنیفات خویش، پزشکان و دانشجویان پزشکی را به اخلاق پسندیده و شفقت بر همنوعان و تزکیه اخلاق از کبر و عُجب و حسد سفارش نموده است.

جالینوس: فیلسوف، پزشک و داروساز، اهل قسطنطنیه ولی در روم اقامت داشته است. در حدود ۱۳۰۰ میلادی بدنیا آمده و هشتاد و هفت سال عمر نموده است. جالینوس در هفده سالگی بر تمامی علوم طب، فلسفه و ریاضی مسلط شده و سرآمد بوده است (۱۷ سال متعلّم و ۷۰ سال عالِم و معلّم) کتابهای بقراط و افلاطون را شرح داده و تجدید کرد و بر تمامی بزرگان دانشمندان قبل از خود ایراد گرفته و آثار علمی آنان را تصحیح نمود. جالینوس بیش از صد تألیف دارد که شامل ۱۶ تألیف در طب، حدود ۱۰ تألیف در علم تشریح و چند کتاب در صنعت داروسازی است. از معروفترین کتب داروسازی او **الادویة المفرده** (۱۱ مقاله)، **الادویةالمقابلة للادواء** (۲ مقاله) **ترکیب الادویه** (۱۷ مقاله) و **الترياق** می‌باشد. جالینوس با پادشاهان زمان خود حتی جهت درمان مجروحین جنگی به میدانهای جنگ می‌رفته است. طب یونان در زمان جالینوس به حدّ کمال و عظمت خود رسید ولی با آن حال حتی تا آنزمان هنوز در غرب داروسازی بعنوان درس مستقلی تدریس نمی‌شد و

●

دانشگاه جندیشاپور در زمان ساسانیان باعث گردیده که شخصیتی علمی بنام داروساز و حرفه‌ای بنام داروسازی متولد گردد.

●

داروسازی جالینوس منحصر بود به سائیدن گیاهان داروئی و مخلوط نمودن با عسل (در انواع خوراکی) و یا مخلوط نمودن با مواد معدنی و چربیها (در انواع موضعی). فرمول زیر یکی از ترکیبات مشهور جالینوس است:

Aloes vera	42 gr
Postacia vera	42 gr
Nardostachys Jatamanis	42 gr
Cinnamomum Zeylanicum	42 gr
Commiphora opobalsanum	42 gr
Arum dracunculus	42 gr
Mel	Q.S.P

همچنین با عسل و سرکه و زنجبیل و فلفل سفید معجونی می‌ساخته است که برای بیماران معدی تجویز می‌کرده است.

■ تاریخچه طب و داروسازی در ایران باستان

تا آنجا که تاریخ نشان می‌دهد قدمت علوم پزشکی در ایران به قرنها قبل از میلاد و تا زمان زرتشت پیامبر می‌رسد. زرتشت در حدود سال ۶۶۰ قبل از میلاد بدنیا آمد و در سال ۶۳۰ قبل از میلاد در کوههای سبلان واقع در جنوب ارومیه به پیامبری رسید و در سال ۵۸۳ قبل از میلاد در ۷۷ سالگی کشته شد. کتاب اوستای زرتشت که دارای بخشی در پزشکی بود در ۲ نسخه به زر نوشته شد که یکی در آتشکده آذرگشسب و دیگری در تخت جمشید نگهداری می‌شد. نسخه تخت جمشید در آتش‌سوزی توسط اسکندر از بین رفت ولی نسخه آذرگشسب را یونانیان بردند و جزء پزشکی آنرا به زبانهای یونانی و قبطی ترجمه کردند و از پرتو آن بزرگانی چون جالینوس پرورش یافتند. بنابراین کتاب اوستا که در زمان مادها نوشته شده است یکی از مهمترین منابع پزشکی ایران باستان بوده و میتوان مادها را مخترع علم پزشکی در ایران دانست. دولت ماد در سال ۵۵۰ قبل از میلاد بدست کورش هخامنشی منقرض شد. کورش در پاسارگاد دانشگاهی بنیاد نهاد که جوانان در آنجا علاوه بر تحصیل حقوق، گیاه‌شناسی، کشاورزی و پزشکی هم می‌آموختند. کورش خود به پزشکی علاقمند بود و در مورد منافع

سید اسماعیل جرجانی پزشک دانشمند قرون پنجم و ششم هجری است که مطالب علمی گذشتگان را به زبان فارسی و با انشایی شیرین بیان داشته، بطوریکه پزشکان را از زبان عربی کتابهای رازی و ابن‌سینا و اهوازی بی‌نیاز داشته است. مهمترین کتاب وی «ذخیره خوارزمشاهی» است

داروها و غذاها از پزشکان آموزش می‌دید و حتی خود تمایل به ساخت دارو داشت. در زمان ساسانیان با تأسیس دانشگاه جندی‌شاپور توسط شاپورابن اردشیر (شاپور اول) پیشرفت علوم بخصوص علم پزشکی در ایران چهره‌ای نو یافته و باعث تحوّلی چشمگیر گشت. هنگام صحبت از تاریخچهٔ علوم پزشکی در ایران نمیتوان دانشگاه جندی‌شاپور و خدماتی که در آن دانشگاه در زمان ساسانیان انجام شده است را از نظر پنهان داشت، لذا بناچار به لحاظ اهمیت این دانشگاه و نقش عظیم و بسزایی که در پیشرفت علوم پزشکی ایران دارد الزاماً به ذکر تاریخ و چگونگی تأسیس و اداره این دانشگاه می‌پردازیم:

■ دانشگاه جندی شاپور

در ۵۰ کیلومتری شمال غربی شهر شوشتر و ۱۸ کیلومتری جنوب شرقی دزفول، دهکده‌ای است که در عده آریائیها جنتاشاپیوتا (باغهای زیبا) نامیده می‌شد. شاپور ابن اردشیر، دومین پادشاه ساسانی پس از جنگ دوم ایران و روم که در زمان او انجام شد، اُسرای رومی را در این دهکده جای داد و سپس حدود سال ۲۶۰ میلادی (۱۷۳۴ سال پیش) بفرمان شاپور در این شهر دانشگاه بزرگی تأسیس شد که بر سردر آن نوشته بود: "دانش و فضیلیت مافوق بازو و شمشیر است." شاپور اول هنگام گشایش این دانشگاه گفته بود که: شمشیرها مرزها را می‌گشاید و دانش و فرهنگ ما مغزها را به زیر درفش ما می‌خواند. علل متعددی در پیشرفت و توسعه دانشگاه جُندی شاپور دخالت داشته‌اند که شاید مهمترین این علل رکود علمی در غرب پس از مرگ جالینوس بوده باشد، بطوریکه تاریخ نشان می‌دهد پس از مرگ جالینوس (حدود سال ۲۰۰ میلادی)، در جنگهای رومیان و مسیحیان و دیگر اقوام مهاجم، بسیاری از کتابخانه‌ها و مدارس غرب منهدم شده و این امر باعث شد که اطلاعات عملی غرب تنزل نموده و در گوشه و کنار صومعه‌ها و بدست راهبان محفوظ بماند، بطوریکه در سال ۵۲۹ میلادی آکادمی افلاطون (مدرسه آتن) تعطیل شد و به دعوت خسرو انوشیروان بیست و یکمین پادشاه ساسانی، ۷ تن از فیلسوفان آن به این دانشگاه آمدند. همین رکود علمی غرب باعث شد که از آن پس مجامع علمی ایران بخصوص دانشگاه جندی شاپور رونقی بیشتر یافته و در اصل گهواره علم از یونان به ایران منتقل شود، بگونه‌ایکه این دانشگاه در زمان انوشیروان مهمترین مرکز علمی آن روز جهان شدودرکتب‌داروسازان‌تمدن‌اسلامی‌نام‌بسیاری از گیاهان داروئی دیده می‌شود که همگی یادگارجندی‌شاپوراست ودانشجویان خارجی برای‌تحصیل‌به‌آنجاروی‌می‌آوردند.این‌دانشگاه دارای کتابخانه‌ای عظیم و بیمارستانی بزرگ بوده و با وجودیکه در این دانشگاه رشته‌های مختلف گیاه‌شناسی ، منطق ، الهیات ، حکمت ، هیئت ، نجوم ، هندسه ، دریانوردی ، حقوق ، سیاست، موسیقی و اقتصاد تدریس می‌شده ولی پزشکی و داروسازی از اهمیت خاص برخوردار بوده است، بطوریکه با وجودیکه طب یونان در زمان جالینوس به حداکثر عظمت خود رسیده بود ولی تا آنزمان هنوز در یونان داروسازی بعنوان درس مستقلی تدریس نمی‌شد در صورتیکه در دانشگاه جندی‌شاپور، داروسازی بعنوان درس مستقلی تدریس می‌شده است و به گفته مؤلف کتاب تاریخ طب در اسلام، طب جندی‌شاپور، مخلوطی از پزشکی ایران و هند و یونان و مرو بوده و پزشکان جندی‌شاپور روشهای علمی ملل دیگر را اخذ نموده و با معلومات و نظرات و اکتشافات خود آنرا تکمیل و روشی ایرانی برای آن بنیان می‌نهادند بطوریکه روشهای جدید داروشناسی آنها توسعه یافته و حتی بعضی طبابتهای آنان بر یونانیان و هندیان ترجیح

داشت، و بدین ترتیب پزشکان جندی‌شاپور در شکوفائی طب اسلامی و شعب آن مخصوصاً داروسازی نقش و مقامی والا داشته‌اند بگونه‌ایکه در کتب داروسازان تمدن اسلامی نام بسیاری از گیاهان داروئی دیده میشود که همگی یادگار جندی‌شاپور است، و نیز ترجمه‌هایی در جندی‌شاپور از کتب بقراط و جالینوس از زبان یونانی به سُریانی و عربی ترجمه شده که در تمامی آنها نشانی از دانشمندان جندی‌شاپور مشاهده می‌شود که در پیشرفت طب اسلامی بسیار ارزنده است. برای بررسی سیر داروسازی در دانشگاه جندی‌شاپور تاریخ این دانشگاه را به دو دوره مستقل تقسیم می‌نمایند:

۱- زمان ساسانیان

از پزشکان و داروسازان این زمان لیست کاملی جز نام چند تن مثل جبرئیل (پزشک دربار انوشیروان)، تیاذوق طبیب (نویسنده المأکول و المشروب)، سرجیس رأس العینی، بزرگمهر (پزشک و وزیر انوشیروان) و جاماسب (شیمی‌دان) در دست نیست ولی آنچه مسلم است، آنست که میتوان این دوران را آغاز فن صحیح ترکیبات و شروع فن داروسازی در دنیا دانست و از آن زمان است که شخصیتی علمی به نام داروساز و حرفه‌ای به نام

داروسازی متولد شد و شاید به جرأت بتوان گفت اگر داروسازی غرب از داروسازی جندی‌شاپور ساسانی بر کنار می‌ماند به داروسازی پیشرفته امروز نمی‌رسید.

۲- جندی‌شاپور پس از حمله اعراب

پس از حمله اعراب با وجودیکه تا حدودی آثار جندی‌شاپور از میان رفت و نیز میراث علمی کهن ایران به اعراب رسید، ولی هنوز دانشگاه جندی‌شاپور از بهترین مراکز علمی جهان بود بطوریکه پزشکان آن جهت درمان خلفای اسلامی به عراق دعوت می‌شدند و حتی پس از انتخاب بغداد بعنوان پایتخت، دانشگاه بغداد از الگوی دانشگاه جندی‌شاپور پی ریزی شد و توسط استادان دانشگاه جندی‌شاپور اداره می‌شد. ولی از آنجائیکه بیشتر اوقات خلفاء بنی‌عباس از بازگشت پزشکان ایرانی به جندی‌شاپور ممانعت می‌کردند بتدریج دانشگاه جندی‌شاپور بُنیه علمی و اهمیت سابق خود را از دست داد.

■ بعضی پزشکان و داروسازان دانشگاه جندی‌شاپور

از پزشکان و داروسازانی که فارغ‌التحصیل دانشگاه جندی‌شاپور بوده و سپس به استادی دانشگاه بغداد رسیدند، میتوان شاپورابن سهل، ماسویه، یوحناابن ماسویه، عیسی‌ابن ماسه، یعقوب ابن ماهان سیرافی، ماسرجویه، عیسی ابن شهلافا، عیسی ابن صهاربخت و دهشتک را نام برد که به طور اختصار به شرح حال بعضی از آنها پرداخته می‌شود:

حارث ابن کلده: طبیبی عرب و از قبیله ثقیف بوده ولی علم طب را در زمان خسرو انوشیروان در دانشگاه جندی‌شاپور تحصیل کرده بود و پس از بازگشت به عربستان اعراب را با فنون پزشکی و داروسازی آشنا نمود در حالیکه تا آنزمان اعراب از علوم پزشکی و داروسازی اطلاعی نداشتند. حارث‌ابن کلده اسلام را درک نموده و پیامبر گرامی اسلام (ص) امر می‌فرمودند بیماران برای علاج نزد او روند.

ماسویه: مدت سی سال در دانشگاه جندی‌شاپور به حرفه چشم پزشکی و داروسازی اشتغال داشته است ولی در آخر عمر به دربار خلفاء عباسی روی آورد.

یوحناابن ماسویه: پزشک و داروسازی دانشمند و نصرانی بوده و مدت ۴۰ سال در جندی‌شاپور به داروسازی مشغول. مؤلف چندین کتاب در پزشکی و علوم تغذیه و علوم داروئی است از آنجمله: کتاب الاغذیه، کتاب الفصد و الحجامه، کتاب الجذام، کتاب ماءالشعیر و .... که بعضی کتب او تا قرن ۱۶ میلادی مورد استفاده بوده است. وی نهایتاً به دانشگاه و بیمارستدان بغداد روی آورد. همچنین صاحب تألیفات زیادی در زمینه چشم پزشکی و بیماریهای زنان و دستگاه گوارش است.

حُنین ابن اسحاق: (متوفی ۲۶۰ هـ‌ق) نصرانی بوده و شاگرد یوحنا ابن ماسویه است. طبیبی

صاحب نظر بوده و کتب بقراط و جالینوس را تلخیص و توضیح داده است بنحوی که مشکلات آنها را مکشوف نموده است. مؤلف کتابهای متعددی در زمینه پزشکی، تغذیه و داروهای مُسهل است.

شاپورابن سهل: (متوفی ۲۵۵ هـ‌ق) طبیب و داروساز دانشگاه و بیمارستدان جندی‌شاپور و اهل اهواز و نصرانی بوده است. مهمترین کتاب وی **اقراباذین** است. برخی او را پدر علم داروسازی و اولین کسی می‌دانند که در زمینه داروسازی کتاب نوشته است. در هر صورت او دفاع از صنف تحصیل کرده داروسازی و مبارزه با داروفروشان دوره‌گرد و سازندگان داروهای تقلبی را آغاز نموده و آنقدر ادامه داد تا منجر به وضع قوانینی در این زمینه شد. او (همچون دهشتک پزشک) از جمله کسانی است که دعوت خلفاء عباسی را برای ماندن در دانشگاه بغداد قبول نکرده و با صرف نظر کردن از مال و جاه و نام در شرایطی دشوار دانشگاه جندی‌شاپور را اداره میکرد و پس از دهشتک (پزشک) مدتی رئیس دانشگاه جندی‌شاپور بود.

■ بعضی از پزشکان و داروسازان ایرانی پس از افول علمی جندی‌شاپور

۱- علی ابن ربن الطبری (ابن سهل طبری) (۲۴۷ - ۱۹۲ هـ‌ق): طبیبی فاضل و از اهل طبرستان بوده است. کتابهائی بزرگ **از جمله منافع الاشربه و الاطعمه** و **العقاقیر** از تألیفات اوست. طبری بدست معتصم عباسی اسلام آورد. برخی مثل مؤلف کتاب تاریخ‌الحکماء او را استاد رازی می‌دانند ولی مؤلف کتاب تاریخ طب در ایران این گفته را ناصحیح می‌داند.

۲- محمدابن زکریا ابوبکر الرازی (۳۲۰ - ۲۵۱ هـ‌ق)

۳- علی ابن عباس مجوسی اهوازی: (۳۸۴ - ۳۱۸ هـ‌ق)

۴- ابن سینا (۴۲۸ - ۳۷۰ هـ‌ق)

۵- ابوبکر ربیع‌ابن احمد الاخوینی البُخاری (متوفی ۳۷۳ هـ‌ق): اهل بخارا بوده و خود را شاگرد یکی از شاگردان رازی می‌داند. کتابی که از او باقی مانده است "هدایةالمتعلمین فی‌الطب" است که از جمله کتب طبی مورد استفاده در قرن چهارم هجری بوده است. بخاری در این کتاب که با دقّت فراوان تهیه شده، از بسیاری جهات نظراتی نزدیک به نظرات رازی داشته است.

۶- موفق‌الدین ابومنصور علی الهروی (متوفی حدود سال ۴۵۰ هـ‌ق): کتابی از وی بنام "**الابنیة عن حقایق الادویة**" بجای مانده است که قدیمی‌ترین کتاب خطی طبی پارسی است. هروی در این کتاب ۵۸۴ قلم دارو که در طبابت بکار می‌رفته است نام برده و خواص طبی و طبع و مزاج آنها را یادآوری کرده است.

این کتاب و کتاب هدایهٔ بخاری دو کتاب ارزشمند در طب و داروسازی در قرن چهارم و پنجم هجری می‌باشند.

۷- احمدابن ابی الاشعث فارسی: از پزشکان قرن چهارم هجری و اولین کسی که کتابهای شانزده گانه جالینوس را از هم تفکیک نموده و آنها را به فصلها و بابهایی مشخص تقسیم کرده است. حدود ۱۵ کتاب از او گفته‌اند که معروفترین آنها عبارتند از: ادویهٔ مفرده، ترکیب الادویه، مالیخولیا، صرع و ....

۸- ابوسهل مسیحی (۴۰۱ - ۳۶۱ هـ‌ق): برخی از مورخین تاریخ طب، وی را استاد ابوعلی سینا و برخی وی را بالاتر از ابن سینا از نظر علم طب می‌دانند. در هر صورت معاصر ابن سینا بوده و از پزشکان نام آور و بلندمرتبه قرن چهارم هجری است و دارای کتب زیادی در پزشکی است که معروفترین آنها **"المائة فی الطب"** است.

۹- ابن مندویهٔ اصفهانی: از پزشکان معتبر قرن چهارم و جزء بیست و چهار پزشک معروف بیمارستان عَضُدی بغداد بوده است. معاصر اهوازی بوده و بیش از چهل کتاب و رساله از وی باقی مانده است، که معروفترین آنها کتاب **کافی** در طب است که به قانون صغیر معروف است.

۱۰- سیداسماعیل جُرجانی (۵۳۰ - ۴۳۴ هـ‌ق): پزشک دانشمند قرون پنجم و ششم هجری است که با ظهور کتب طبّی او، دوران تجدد طب ایرانی شروع می‌گردد. جرجانی در ۴ تألیف ارزشمند خود که همگی متأثر از کتب رازی، اهوازی و ابن سینا است نظرات علمی خود را نیز به آنها افزوده و تفاوت عمده او با دیگر دانشمندان اطباء قبل از خود آنست که اولاً جمیع مطالب علمی و طبی گذشتگان خود را جمع‌آوری و جمع‌بندی نموده و پایه واساس طب آنروز قرار داده است و ثانیاً با استفاده از نبوغ بی نظیر خویش تمامی این مطالب را به زبان فارسی و با انشائی شیرین بیان داشته است بطوریکه پزشکان را از زبان عربی کتابهای رازی و ابن سینا و اهوازی بی‌نیاز داشته است. گذشته از آن او توانسته است در هزار سال قبل مطالبی طبی ارائه دهد که با موازین کنونی طب تقریباً یکسان است. مهمترین کتاب وی **"ذخیره خوارزمشاهی"** است که کتابی جامع در طب و داروسازی و بهداشت و دیگر علوم پزشکی است. کتاب دیگر وی **"خفی علائی"** است که خلاصهٔ ذخیره خوارزمشاهی و کتابی است که مطالب طبی ذخیرهٔ خوارزمشاهی را فهرست گونه بطوریکه در مسافرت هم مورد استفاده باشد جمع‌آوری کرده است.

منابع:

۱- معین؛ م. مزدیسنا و ادب پارسی؛ ص ۸۵
۲- قفطی؛ تاریخ الحکماء؛ چاپ دوم؛ مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران؛ ۱۳۷۱
۳- نجم آبادی؛ م. تاریخ طب در ایران؛ جلد دوم؛ مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران ؛۱۳۶۶